

مردم آزادیخواه و «انتخابات» ریاست جمهوری

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

«انتخابات» ریاست جمهوری ایران بدنبال مرگ رئیسی بطور زودرس انجام میگردد. شورای نگهبان سرانجام با حساب و کتابهای خود و برای حفظ بالانس در اوضاعی حساس و کاهش کشمکش در بالا، ۶ نفر را از صافی خود گذارند و به عنوان کاندیداتوره‌های مورد تأیید نظام اعلام کرد. تا انتخابات شان، یعنی گرفت «آرایش مناسب» برای حفظ نظام از تعرض طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، را به «سلامت» از سر بگذرانند.

فضای امنیتی که به بهانه مرگ رئیسی و یارانش و از ترس شادی مردم محروم در مرگ قصاب و دشمنان قسم خورده خود اشاعه یافت، همراه مرثیه و روزه خوانی و عزا و سینه زنی و شهید پروری، ظاهراً تا پایان تندپیچ انتخاباتی و به امید عبور سالم و بی دردسر حاکمیت از این معضل و تأمین آرایش بالا، ادامه دارد. ... صفحه ۲

یاد رفیق مظفر صالحی نیا عزیز گرامی است!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۵



طرحی برای آتش بس! یا تاکتیکی برای نجات بایدن و نتانیاهو

آذر مدرسی

پس از هشت ماه کشتار و نسل کشی و ریختن بیش از ۷۰۰ هزار تن بمب بر سر مردم بیگناه در جغرافیایی کوچکی به وسعت ۴۰ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر عرض، پس از کشتار بیش از ۳۶ هزار نفر (نیمی از آنان کودکان بیگناه) و زخمی شدن ۸۳ هزار نفر، بیش از ۱۰ هزار نفر مفقود، نابودی بیش از ۸۰ درصد ساختمانها، از واحد مسکونی تا مدرسه و بیمارستان و دانشگاه، منجمله ۳۳ بیمارستان و ۵۵ مرکز بهداشت و ... تخریب تمام زیربنای اقتصادی و اجتماعی آن، هشت ماه حمایت مالی-سیاسی-نظامی و تسلیحاتی بی چون و چرای دول غربی و در رأس آن آمریکا از دولت فاشیست اسرائیل، جو بایدن، این پهلوان پنبه جهان متعفن «آزاد»، با «طرح آتش بس» و با وعده صلح به میدان آمد.

کسی که بیش از هشت ماه است هر نوع تلاشی برای حتی تخفیف کشتار و توقف بشردوستانه را بلوک کرد، امروز به خود جرات میدهد در اوج وقاحت اعلام کند خواهان پایان این «جنگ» است. ... صفحه ۴

حکمتیست هفتگی ۵۱۵

۱۳ ژوئن ۲۰۲۳ - ۲۴ خرداد ۱۴۰۳

شوگ فرانسه بر اتحادیه اروپا کدام چپ و راست!

ثریا شهابی



«عروج» حزب «اجتماع ملی» فرانسه، حزب مارین لوپن که به راست افراطی و گاه «فاشیست» شناخته شده است، در انتخابات اخیر پارلمان اروپا، به موجی از هراس و نگرانی و بحث و بررسی در میان رسانه های بستر اصلی در غرب، دامن زده است.

اولین «شوگ» ناشی از برتری حزب «راست افراطی» مارین لوپن بر حزب «راست میانه» حاکم یعنی حزب ماکرون در انتخابات پارلمان اروپا، ساختار سیاسی فرانسه را لرزاند! حاصل این لرزش فراخوان ماکرون برای انتخابات زودرس پارلمان است. امری که قرار است طی سه هفته بسرانجام برسد. اقدامی که «ناظران» و احزاب سنتی در فرانسه آن را «قماری بزرگ» و «نسنجیده خوانده اند. با گمانه زنی هایی مبنی بر اینکه در انتخابات پارلمان فرانسه هم راست افراطی از همه آنها جلو خواهد زد و ماکرون ناچار خواهد شد که تا انتخابات ریاست جمهوری، «در یک ائتلاف ناخوشایند با نخست وزیر راست افراطی کار کند».

این رسانه ها در مورد پیشروی راست افراطی در آلمان هشدار میدهند. در ایتالیا پیروزی حزب راست افراطی «برادران ایتالیا» به رهبری «ملونی» نخست وزیر این کشور در این انتخابات را، نشانه تغییر معادلات قدرت نه فقط در ایتالیا که در پارلمان اروپا میدانند. تاجایی که ملونی را بعنوان یکی از قدرتمندترین شخصیت های دور آتی اتحادیه اروپا معرفی میکنند. یکی پس از دیگری نتایج انتخابات پارلمان اروپا را بررسی میکنند و ابراز نگرانی میکنند که آینده اروپا با برتری قابل توجه احزاب راست افراطی، از جمله «ملونی» در ایتالیا «لوپن» در فرانسه، چه خواهد شد!

همه احزاب چپ و راست سنتی پارلمانی و رسانه هایشان در غرب، در بزرگنمایی از «پیروزی» راست افراطی در اروپا و انتخابات پارلمان آن، شریک اند. تلاش میکنند حقایقی را از انظار دور نگاه دارند. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

فقر، گرسنگی و استثمار، بی حقوقی، زن ستیزی، کودک آزاری و زندان و شکنجه و اعدام زبان به اعتراض نگشاید.

انتخابات امر جامعه نیست، مردم و جامعه انتخاب شان را کرده اند! مردم در ایران جمهوری اسلامی نمی خواهند و برخلاف انقلاب قبلی، این بار میدانند که چه میخواهند! فقر و بی حقوقی و زن ستیزی و کودک کار و کوله ببری و گرانی و بی مسکنی و سرکوب و اختناق و استثمار و حکومت اسلام و زور بالای سرشان را نمی خواهند! و در عین حال میدانند که چه میخواهند! یک زندگی انسانی! یک زندگی مرفه و شاد و آزاد و برابر میخواهند! چیزی که ۴۵ سال است تمام مهره ها و باندها و جناح هایشان در حکومت، چه با عمامه چه بی عمامه، علیه آن و علیه ما برای رسیدن به اندکی از این خواست ها، نسل بعد از نسل خون ریخته اند! زندان کرده اند!

بیکار و بی سرپرست و زخمی کرده اند! با این وجود، تا روزی که این هیولای فقر و بی حقوقی و تباهی در قدرت است، باید به بهانه مضحکه انتخابات شان، به میدان آمد! باید فقر و گرانی و چگونگی سد بستن در مقابل تعرض بیشتر جمهوری اسلامی به سطح معیشت و حقوق فردی و جمعی مردم به حقوق زنان و همه دستاوردهای چندین دهه مبارزه، در همه جا از محافل تا تجمعات کارگری، در اتوبوس و محافل خانوادگی و هر جا جمعیتی جمع میشوند، را مورد بحث قرار داد. باید تمام توقعات مان را بر سر همگی شان بکوبیم و نشان دهیم که انتخاب ما چی است!

از این فرجه و دوره انتخابات ما نیز باید این امر را رسماً سازمان دهیم، جمع شویم و خواست و مطالبه و راه متحد شدن خود را اعلام کنیم. جمع شویم و کیفرخواست خود علیه وضع موجود، را اعلام کنیم! جمع شویم و قوانین جامعه مد نظر خود، اقتصاد و سیستم سیاسی که ما و قدرت ما را نمایندگی میکنند و میتواند قوانین ما را به اجرا در آورد، و قدرت مان را در همه جا با صدای بلند فریاد بزنیم.

جمع شویم و اعلام کنیم که فقر را تحمل نمیکنیم، زندگی مرفه حق ما است، بیمه بیکاری، درمان و تحصیل رایگان، حق تشکل و تحزب و آزادی بیان و عقیده، برابری زن و مرد، لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، پایان کار کودکان و حق آنها از زندگی انسانی، برابری همه انسانها مستقل از محل تولد، جنسیت و نژاد و...، حق ما است! حق حاکمیت ما بر سر نوشت و زندگی خود، حاکمیتی در خدمت نیاز همه انسانها، نه تامین سود سرمایه داران به قیمت تباهی زندگی اکثریت عظیم مردم، ابتدایی ترین خواست ما است! نباید گذاشت ترس از عروج طبقه کارگر آگاه ایران و سایه جنبش برابری طلبانه ما، سایه و ترس از جنبش انسانی ما از بالای سر حکام برداشته شود.

زنده باد آزادی و برابری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ خرداد ۱۴۰۳ - ۱۲ جون ۲۰۲۴

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و
تشکل حزبه شما است.

حزب را از آن خود کنید!

تهدیدهای مکرر دستگاه قضایی و امنیتی و اعلام رسمی کنترل هر نوع تبلیغات، کنترل فضای مجازی، جرم انگاری هر مخالفتی تحت نام «تخریب» و دلسرد کردن مردم برای «شرکت» در این مضحکه، و ممنوع کردن هر تجمع و اعتراضی، بیان ترس و نگرانی از دهها میلیون انسانی است که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و رفاه و عدالت و برابری در جامعه اند. بی تردید وزن جنبش عدالتخواهانه طبقه کارگر، وزن جنبش برابری طلبانه و انسانی در این جامعه، وزن جنبش حق زن و نسل جوان برای آزادی، سکولاریسم، رفاه و صلح و آسایش همگانی و ترس از آن در ادعاها، تبلیغات انتخاباتی، وعده های کاندیداتورها و تلاش برای مرعوب کردن پایین و وقت خریدن برای جمهوری اسلامی، برجسته است.

نفرت عمومی از جمهوری اسلامی، عدم شرکت اکثریت عظیم مردم ایران در این مضحکه، برای سران حکومت امری مسلم است. جمهوری اسلامی مستقل از هر تلاشی برای بردن عده ای پای صندوق رای، نیک میدانند که این انتخابات از قبلی ها بی رونق تر است و عدم شرکت فرض است. اما اتمام این پروسه و آرایش گرفتار مناسب بالا در مقابل پایین، و ایجاد انسجامی و دمیدن نور امیدی در صفوف نیروهای خود و مقابله «متحدانه» شان با امکان عروج طبقه کارگر و محرومین جامعه و تلاش «متحدانه» شان برای حفظ و بقا حکومت، هدف اصلی این انتخابات است.

محوریت اقتصاد و بهبود اقتصادی، وعده و ادعاهای پوچ و تکراری از حل معضل بیکاری، حل گرانی و تورم، رشد اقتصادی، بهبود بهداشت و... که مورد اشاره کاندیدهای ریاست جمهوری است، تاکید بر «خدمات» رئیسری در دوره ریاست جمهوری و ادامه این مسیر، مستقل از رباکاری و تلاش برای ساکت کردن جامعه، بیان فشار عظیم طبقه کارگر و اقشار محروم علیه وضع موجود، علیه استثمار فقر و زن ستیزی و استبداد سیاسی است. در این میان تعرض به بخشی از طبقه کارگر با پیشینه افغانستانی و مهاجرانی که از جهنم افغانستان فرار کرده اند، معرفی آنها به عنوان عامل بیکاری، نه تنها شیاد و عمق نژادپرستی و تلاش برای جذب شعبان بی مخواها حول ناسیونالیسم ایرانی و علیه کل طبقه کارگر است، چیزی که برای طبقه کارگر و مردم شرافتمند ایران، شرم آور و رقت انگیز است. ترس آنها از جنبش عدالتخواهانه طبقه کارگر به عنوان پایه هر تحول انقلابی علیه جمهوری اسلامی و نظام کاپیتالیستی و تحقق امیال انسانی مردم محروم، در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری مشهود است.

مردم آزادیخواه

کارگران، زنان، جوانان

انتخابات ریاست جمهوری و داغ شدن فضای تبلیغاتی از جانب حاکمیت، برای طبقه کارگر در این جامعه، برای زنان و نسل جوان، برای معلم، بازنشسته، پرستار و کل اقشار محروم نیز فرجه ای است جهت بلند کردن صدای اعتراض به جهنمی که به ما تحمیل شده است.

اگر صدا و سیمای جمهوری اسلامی، همه کانالهای تلویزیونی و روزنامه ها، مساجد و اماکن مذهبی و دستگاه طویل و بزرگ تبلیغاتی همراه پلیس و قوه قضائیه و وزارت اطلاعات آنها علیه جامعه بسیج شده اند، متقابلاً باید همه مراکز کاری و تحصیلی، ادارات و محلات و... نیز به مرکز ابراز وجود پایین جامعه، تجمعات کوچک و بزرگ آنها و اعلام کیفرخواست مردم علیه وضع موجود و خواست و مطالبات سراسری شما تبدیل شود.

اگر بالایی ها حق دارند از پول و امکانات جامعه در فرجه انتخابات و برای برنامه های خود و خفه کردن پایین سواستفاده کنند، چرا نباید پایین جامعه و خصوصاً طبقه کارگر از محل کار تا محلات، زنان و اقشار محروم، نسل جوان و... حق نداشته باشد روی انتخاب خود، امیال خود، حاکمیت مد نظر خود و علیه ۴۵ سال استبداد،

حقیقت اینکه در این انتخابات و در فرانسه تنها نیمی از واجدین شرایط، یعنی ۵۰ درصد شرکت کردند و برد ۳۰ درصدی لوپن از این ۵۰ درصد، یعنی حمایت تنها ۱۲ درصدی مردم فرانسه از او! چرخش و عروج و افول الیت سیاسی پارلمانی را بعنوان عروج و افول چپ و راست در جامعه قلب کردن، هنر این رسانه ها است. از میزان بالای رای های سفید در حوزه های انتخاباتی آلمان، از عدم استقبال مردم در اکثر کشورهای اصلی اروپایی از این انتخابات، صحبتی در میان نیست! تا بر شکست پارلمانتاریسم و ریختن توهم به تغییر از بالا میان همین شهروندان جوامع اروپایی، سرپوش بگذارند.

جملگی شان در تلاش برای مخفی کردن این شکست، که چیزی نیست جز صدور رای عدم اعتماد مردم به پارلمانتاریسم و همه احزاب چپ و راست آن، سهیم و شریک اند. برای حفظ ساختار، نه از خطر لوپن که میتواند نخست وزیر ماکرون شود که از خطر شهروندانی که دست رد به سینه همگی شان زده اند و بخصوص در فرانسه همه شان را به بن بست کشانده اند، باید در ابعاد این «پیروزی»، و در مورد «خطر» عروج راست افراطی بعنوان نیروی تهدید کننده «دمکراسی» و اتحادیه اروپا، اغراق کرد! نجات اتحادیه اروپا و دمکراسی پارلمانی در گرو این اغراق و ایجاد ترس و هراس از قدرت گیری این یا آن حزبی است که بیش از دو دهه است که تفاوت چندانی با هم ندارند. احزاب راست و چپ سنتی و رسانه هایشان، برای تقویت موقعیت و مطلوبیت خود و برای جلب اعتماد از دست رفته مردم به آنها، به این اغراق نیاز دارند.

در مورد پیشروی های راست افراطی در مقابل راست میانه و محافظه کار و احزاب چپ میانه و افراطی و «سوسیالیست» و «سوسیال دمکرات» ابراز نگرانی میکنند! احزاب راست و چپ را بازنده اعلام میکنند. میگویند که حزب «چپ رادیکال» یونان موسوم به «سیریزا» در پارلمان اروپا بزرگترین بازنده این انتخابات است. در حالیکه حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» پیشرفت قابل توجهی داشته است! حزب مردم اسپانیا، که به طیف راست میانه تعلق دارد، توانست (هرچند با برتری کمی) بالاخره حزب سوسیالیست حاکم را شکست دهد! و برای نخستین بار حزب راست افراطی «آزادی» در اتریش پیروز انتخابات پارلمان اروپا در این کشور شد! و در مجموع در گروه فراکسیون راست پارلمانی «حزب مردم اروپا» که متشکل از نمایندگان راستگرای میانه رو، لیبرال و محافظه کار است، برنده بزرگ انتخابات پارلمان اروپا بود. و بالاخره رئیس پارلمان اروپا اطمینان خاطر میدهد که اکثریت با کسانی است که موافق بقا اتحادیه اروپا هستند! و جای نگرانی نیست!

بدور از این ارزیابی ها، خوش بینی ها و بدبینی های محافل رسمی حکومتی و رسانه های آنها، آنچه که قابل توجه است، استدلال ها، سوال ها و پاسخ هایی است که رسانه های غربی و دفاتر فکری آنها در مقابل جامعه قرار میدهند! سوال ها و پاسخ هایی که اندکی به تصویر مردم در کشورهای اروپایی از فاصله راست و چپ، فاصله «راست میانه» و «راست افراطی»، نزدیک است. این سوال ها، سرخ مشکل این احزاب و نگرانی های نظام سیاسی در اروپا را بدست میدهد.

بی بی سی انگلیسی با گفتگوهای ممتد با صاحب نظران و «متخصصین» بدنبال یافتن پاسخی به این سوال است که مینا و معیار راست و چپ چیست! با فرض گرفتن اینکه در غرب و از جمله بریتانیا اعتماد به انتخابات ها و احزاب سنتی تماما از دست رفته است سوال میکنند که آیا این اعتماد را میتوان مجددا احیا کرد! سوال میکنند که بالاخره راست افراطی فرانسه، همچون ترامپ که به روسیه و یوتین نزدیک است، راست است یا حزب دمکرات آمریکا و جو بایدن و حمایت تسلیحاتی آن از نئونازیستهای شناخته شده «تیپ آژوف»! منتقدترین های شان سوال میکنند آیا «راست میانه» با سیاستهای راستگرایانه خود در مشروعیت دادن به «راست افراطی» نقش نداشته و مسئول این وضعیت نیست؟ چرا راست ها با پرچم بهبود وضع اقتصادی مردم به میدان میآیند و چپ ها با پرچم «ارزشهای فرهنگی» و «نزاکت سیاسی» و ...!

نخست وزیر «سوسیالیست» اسپانیا مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کرد تا مردم در اینکه میخواهند چگونه اروپایی داشته باشند، دخالت کنند! ماکرون میگوید که پارلمان را منحل کرد و فراخوان انتخابات زود رس

پارلمان جدید را داد چرا که بقول خود او، این عملی است برای جلوگیری از خطر «ظهور ملی گرایان و عوام فریبان» و امیدواری به اینکه بتواند رای دهندگان را مجاب کند که «به جای اینکه در معرض تاریخ قرار بگیرند، خود تاریخ را بنویسند!» رای دهندگانی که به همان شکلی مارین لوپن را جلو صحنه میگذارند که ایشان و حزب ایشان را گذاشتند!

از کدام غول می ترسانند! ترامپ و مارین لوپن و ملونی و انواع دیگر شخصیت ها و احزاب فاشیست، راست، نژادپرست و ضد مردمی، مگر چه میتوانند بکنند که طی دو دهه گذشته، راست میانه و محافظه کار و احزاب سنتی چه چپ و چه راست نکرده باشند! سیاست پناهندگی جریان راست «اتحادیه دمکرات مسیحی آلمان» و سیاست های احزاب سوسیال دمکرات را مقایسه کنید! کدام چپ و کدام راست است! در برگزیت چه حزبی چپ و چه حزبی راست بود!

از کدام غول می ترسانند! از عروج هیتلر و برپایی آشویتس های دیگر! مگر در کیس نسل کشی در غزه که هنوز در جریان است، جز حداکثر اظهارات قلبی کم مایه و بی اثر، کسی از این برجستگان در پارلمان اروپا و ایالات متحده و .. توانسته است حتی یک روز آتش بسی را تحمیل کند! تا همین جا و اجازه ندادن به اینکه این آشویتس برخلاف قبلی پنهان صورت بگیرد، حاصل کار مردمی است که در همین کشورهایی که در چنین انتخابات هایی «راست ها در آن به قدرت می رسند»، به میدان آمده اند.

اگر کسی باید در سرنوشت اروپا و جهان کشور خود دخالت کند! اگر کسی میخواهد در مقابل افسار گسیختگی راسیسم و نژاد پرستی و خارجی ستیزی و فقر و بیکاری و .. سدی بنهد، همین مردم اند! نه این انتخابات ها و صندوق های رای که معادلاتش تنها و تنها ناشی از فشار پایین است. مردم را از «عروج» راست افراطی می ترسانند تا سر سیاست را به جریان های سنتی باز گردانند! مگر ماکرون با رها کردن افسار اقتصاد بازار فقر و بیکاری را دامن نزد! جلیقه زرد ها در مقابل اش ایستادند! فراخواندن آنها، برای حفظ ماکرون و حزبش در انتخابات، شعبده بازی است تا

قمار! درست میگویند اروپا در حال تغییر است! ایجاد ترس و هراس برای بازگرداندن سیستم های سیاسی به «وسط» و بازی های پارلمانی سنتی، ممکن نیست. لوپن و ترامپ همانقدر راست هستند که بایدن و ماکرون! اروپا در حال تغییر است! تغییراتی که شاخص آن نه عروج راست، که ریختن دیوارهای حائل میان راست میانه و راست افراطی، و مهمتر عدم مشروعیت ساختار در همه ابعاد آن از پارلمان و دمکراسی پارلمانی با همه احزاب سنتی چپ و راست آن، تا ساختارهای بین المللی آن! اگر راست

بی واسطه به میدان آمده است! چپ بی واسطه را می طلبد! راستی که کاهش رشد اقتصادی را با پوپولیسم و وعده به فقرا میخواهد «حل» کند! جنبش بورژوازی که در یک دست پرچم «پاسخ های اقتصادی» و در دست دیگر علم و کنترل رسمی خارجی ستیزی را بلند کرده و به میدان آمده است! چپ واقعی را به مصاف می طلبد و فرامیخواند! چپ و کمونیسم، در غرب و در اروپا باید چهارچوب های فرسوده پارلمانی و حاشیه ای را بشکند!

از چپ پارلمانی عبور کند و با پرچم خود، پرچم سوسیالیسم و اقتصاد سوسیالیستی به میدان بیاید! راست ضد گلوبالیزاسیون و ضد خارجی، چپ انترناسیونالیست و سوسیالیست را فرامیخواند!

پایان چپ و سوسیالیست های غیرکارگری و غیرکمونیستی در غرب رسیده است! شکست پارلمانتاریسم و پایان آن در اروپا، طبقه کارگر، سوسیالیسم و کمونیسم این طبقه را می طلبد. تا برخلاف انواع چپ و سوسیالیست های پارلمانی سنتی در غرب، که «تقدس مالکیت بر وسایل تولید» پایه برنامه های اقتصادی شان است، اعلام کند که برای مالکیت بر وسایل تولید احتیاجی قائل نیست! مالکیت بر آنها را به نفع جامعه ملغی خواهد کرد!

چپی که از حاشیه و گروه فشار و خزیدن در حاشیه «نزاکت سیاسی» و «ارزشهای فرهنگی» و .. به مدعی قدرت و مدعی پاسخ اقتصادی به فقر و بیکاری و جنگ و تخریب محیط زیست است و منابع آن را هم با سلب مالکیت از بورژوازی تامین خواهد کرد!

نوبت به کمونیسم کارگری و عدالتخواهی و آزادیخواهی کارگری در غرب رسیده است. ترامپ و لوپن و بایدن و ماکرون، هم خانواده اند! جنگ و جدل شان، تنها و تنها قطب های حرکت مستقل محرومین و طبقه کارگر و بشریتی که در منگنه همه آنها است، را نشان میدهد!

شکست پارلمانتاریسم و بر متن آن «عروج» راست افراطی در اروپا، عروج چپ افراطی، این بار کارگری و کمونیستی را می طلبد.

طرحی که ابتدا با هیاهوی میدیای دست راستی و تبلیغ اینک «کلید پایان کشتار در نوار غزه در دست امریکا و شخص بایدن است» و تحت عنوان «کلید خوردن» حل مسئله فلسطین و پایان دادن به مصائب ۷۵ سال گذشته مردم فلسطین، مطرح شد. اما این هیاهو حتی در میان راست ترین میدیایا هم عمر چندانی نداشت. حتی تبدیل آن به قطعنامه شورای امنیت، هیچان چندانی را در میان اتاقهای فکری میدیای دست راستی و ژورنالیستهای نان به نرخ روز خور آن دامن نزد و همگان به حق از قطعنامه شورای امنیت بعنوان طرح بایدن نام میرند.

پز پیام آور صلح طلب بودن بایدن، این مومیایی متحرک و شریک جرم جنایات دولت فاشیست اسرائیل و طرح پرو اسرائیلی و ضدفلسطینی مشترک او و بخشی از هیئت حاکمه اسرائیل، چنان پوچ بود که حتی صدای بخش کمی متفکرتتر و باوجدان تر میدیا را هم در آورد.

نه بایدن و بلینکن و نه نتانیاها و گالانت در توضیح یا برخورد با این طرح و هدف آن کمترین مخفی کاری یا رودربایستی نداشتند. تبدیل این طرح پوچ، مینیمالیستی و پرو اسرائیلی به طرح «آتش بس دائم» برای «حل مسئله فلسطین» را به میدیای خود سپردند که آنها هم از اینکار عاجز ماندند. بایدن سخترانی خود را با این جمله آغاز میکنند که: «وقت آن رسیده مرحله جدیدی را آغاز کرد. که اسرا به خانه برگردند، که اسرائیل امن باشد، که رنجها و مصائب متوقف شوند، وقت آن رسیده که این جنگ تمام شود تا روز دیگری آغاز شود!»

و برای رفع نگرانی نتانیاهاو اعلام کرد: «اسرائیل در هدف خود (نابودی حماس) موفق شده و حماس عملا از بین رفته و از نظر نظامی قادر به عملیات علیه اسرائیل نیست» و البته همزمان از حماس میخواهد فوری این طرح را قبول کند و در طرح از مذاکرات میان حماس و دولت اسرائیل و توافقات میان آنان میگوید.

نتانیاهاو با اعلام اینک با آتش بس موافق است اما جنگ تا نابودی کامل سیاسی و نظامی حماس ادامه خواهد یافت، عملا بازی با طرح پیشنهادی دولت اسرائیل است و بحث آتش بس دائم و تمام تبلیغات بی سرتوه حول پایان نسل کشی در نوار غزه و کشتار و سرکوب در کرانه باختری را بر باد داد.

یکبار امیدواری ها و وعده «پایان جنگ» جای خود را به تحلیل بر سر اختلاف میان نتانیاهاو و بایدن، صلح طلب بودن بایدن و سرسختی نتانیاهاو، تحلیل استعفاها در کابینه جنگی دولت اسرائیل و تردیدها در مورد مفاد این طرح و ضامن های اجرایی آن، تحلیل کمبودهای آن و ... داد. ظاهرا قرار است مردمی که هشت ماه است زمین را زیر پای بایدن و ماکرون و شولتس و سیسی و سایر حامیان دولت اسرائیل به لرزه در آورده اند، هشت ماه جدال روزمره علیه کشتار و نسل کشی مردم بیگناه فلسطین و بر سر آزادی آنان از چنگال دولت صهیونیست اسرائیل، هشت ماه اعتراض و جنگ علیه دولتتهای خودی برای حمایت بی چون و چرا و شرکت شان در این نسل کشی، را فراموش کنند. قرار است «تعهد مادام العمر» بایدن و سران دول غربی به اسرائیل، ارسال دهها هزار تن مپ و موشک و خمپاره و ... به ارتش اسرائیل را تا اطلاع ثانوی بایگانی کنند و عقربه ذهن و وجدان خود را صفر کنند و با هلهله و ولوله به استقبال طرح «جنوساید جو» برونند. قرار است شهروندان آزادیخواه در اروپا و امریکا طوق نادانی و حماقت را، که بایدن و نتانیاهاو و بلینکن و ... تلاش میکنند به گردنشان بیندازند، مفتخرانه قبول کنند و به استقبال دادن جایزه صلح نوبل به بایدن برونند.

سیاستمداران امروز در «جهان آزاد»، «جامعه جهانی»، یا هر لقب بی مسمای دیگری که به خود میدهند، چنان در توهمات و حبابی که برای خود ساخته اند غرق شده اند که حتی نبشخند دوستان شان در میدیا یا در خارج از این «لالا لند» را نمیبینند! تصور اینک هیچ کسی با حداقلی از شعور این طرح را بعنوان طرحی برای پایان دادن به نسل کشی، طرحی برای آماده کردن شرایط حل معضل فلسطین و پایان دادن به تمام رنج و درد و مصائب مردم فلسطین قبول نمی کند و با اطمینان خاطر از اینک بایدن و شورای امنیت ضامن صلح و آتش بس و آینده ای کمی بهتر برای مردم فلسطین اند، به خانه نمی رود و نفس راحتی نمی کشد، برای این مسخ شدگان در جهان وارونه خود غیر ممکن است. این ها نه ابله اند و نه خود را به ابله میزنند! در بن بست هستند و راه فراری ندارند! ناچارند خود را به نادانی بزنند و با سیلی صورت خود را سرخ نگاه دارند! بایدن میدانند هر عقب نشینی او و کابینه نتانیاهاو، میدان تعرض وسیع تری را برای شهروندان در اسرائیل و امریکا و در جهان، علیه این نسل کشی باز میکنند. این طرح تنها برای تبلیغات انتخاباتی است و نه بیشتر!

طرح بایدن و قطعنامه شورای امنیت نه طرحی برای پایان دادن به جنگ است نه طرحی برای آماده کردن زمینه برای حل معضل فلسطین! این طرح در بهترین حالت تکرار قطعنامه «توقف بشردوستانه» ای است که چند ماه پیش دولت بایدن آنرا وتو کرد. تنها مرحله روشن و فوری این طرح آتش بس شش هفته ای، آزادی اسرای اسرائیل و باز کردن راه کمک رسانی موقت به نوار غزه است. بند دوم یعنی «پایان خصومت در ازای آزادی همه گروگان هایی که هنوز در غزه هستند، و خروج کامل نیروهای اسرائیل از غزه» منوط به توافق طرفین، دولت اسرائیل و حماس، است. در شرایطی که نتانیاهاو و دولت اولترا فاشیست آن رسما اعلام کرده اند جنگ تا نابودی حماس ادامه خواهد داشت، «پایان خصومت»، «خروج کامل ارتش اسرائیل از نوار غزه» و ... وعده ای پوچ و وعده سرخرمن است. مرحله سوم که از وعده سرخرمن هم فراتر میروید چرا که بازسازی نوار غزه و بازگشت آرامش و زندگی به این منطقه، که حداقل ۲۰ سال به طول می انجامد، بدون پایان دادن به محاصره نوار غزه و کوتاه کردن دست اسرائیل از زندگی مردم فلسطین، بی معنی و حرف مفت است. امری که نه در طرح بایدن و نه قطعنامه شورای امنیت کمترین اشاره ای به آن نشده است. استقبال دولتهای عربی از این طرح بعنوان راه نجاتی «هرچند موقت»، «هرچند ناچیز» برای مردم اسیر در نوار غزه، شارلاتانیسم کامل این دولتها و سران آن را در سوء استفاده از بی پناهی، درماندگی و استیصال مردمی است که هشت ماه است در برابر چشمان شان هر روز و هر لحظه قربانی میشوند، به نمایش میگذارد.

این طرح زمانی روی میز آمده که بخشی از هیئت حاکمه اسرائیل (فرماندهان ارتش و موساد) به غیر ممکن بودن پیروزی پی برده است. پی برده است که با ادامه نسل کشی و کشتار در نوار غزه و شکست این سیاست، نه بدلیل «مقاومت» حماس که بدلیل فشار بشریت متمدن و آزادیخواه در سرتاسر جهان و بدلیل بحران سیاسی و اجتماعی داخلی اسرائیل، بیش از پیش در باطلاق خود ساخته فروخواهد رفت. از این روست که مدتی است برای آتش بسی هرچند کوتاه مدت، بازگرداندن اسرا و کم کردن فشار داخلی و تهدید قوای نیروی نظامی فرسوده شده خود تلاش میکنند.

این طرح تاکتیکی برای تخفیف کشتار و نسل کشی برای مدت زمانی کوتاه، وقت خریدن برای دولت اسرائیل و کم کردن فشار جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین است. جنبشی که در غیاب آن، دول غربی در حمایت و شرکت در «جنگ نامحدود» نتانیاهاو علیه مردم فلسطین تردید نمیکردند و چهار نعل برای پیروزی دولت فاشیست اسرائیل در آن می تاختند. این طرح برای نجات نتانیاهاو از بحران سیاسی است که او و کابینه فاشیست اش در آن دست و پا میزنند. این طرح بخشی از کمپین انتخاباتی بایدن برای فرار از فشار این جنبش عظیم و توده ای است که مهر خود را نه فقط بر تحولات خاورمیانه، بر حل مسئله فلسطین که بر سیاست در جهان، از کشورهای عربی و اسرائیل، تا اروپا و امریکا و آینده سیاسی احزاب و نیروهای سیاسی آن زده است.

این طرحی برای ممانعت از فرو رفتن بایدن و نتانیاهاو در «باطلاق غزه» و عواقب نسل کشی و جنایت مشترک شان علیه بشریت است. این طرحی برای «از آسیاب افتادن آنها» و آرام کردن اوضاع و تدارک تعرضهای بعدی است! این طرح راه فرار بایدن و نتانیاهاو از بحران و بن بست است. تلاشی است برای بستن پرونده بایدن بعنوان شریک جرم نسل کشی در نوار غزه، حداقل تا انتخابات در ماه نوامبر!

کافی است اینها کمی از حساب «لالالند»ی خود و میدیای آن، از دنیای ابله ترین ژورنالیستها در بی بی سی و «اسکای نیوز» و ... که برای تمجید و تأیید سران جهان آزاد مسابقه گذاشته اند، فاصله بگیرند تا متوجه قضاوت مردم متمدن و آزادیخواه و شهروندان فهیم در جهان شوند. تا متوجه فروپاشی امپراطوری دروغ و ریا، امپراطوری جنگ و کشتار، امپراطوری «جامعه جهانی» در همه ابعاد سیاسی-اجتماعی و اقتصادی آن شوند. متوجه شوند با هیچ بالماسکه و شعبده بازی نمیتوان سیاهی هشت ماه کشتار را از اذهان پاک کرد.

متوجه شوند که نمیتوان مسئولین و مسببین این جنایت را یک شبه از جانی و فاشیست به مبشرین صلح و آرامش تبدیل کرد. نمیتوان جنبشی عظیم و جهانی را با چنین شعبده بازی های مضحکی به خانه راند. این جنبش مهر خود را بر زندگی و سوخت و ساز جهان زده است. این جنبش مهر عدم مشروعیت خود را بر ساختار کشوری، اروپایی و جهانی زده است. رها شدن از این جنبش ممکن نیست! این ها ابله نیستند! در بن بست، همه راههای فرار را امتحان میکنند! این جنبش این راه فرار را هم برویشان بسته است.

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A
27500 عمودی 12073

Eutelsat W3A
22000 افقی 10721

hekmatist.com

تماس با حزب

➔ @Hekmatistx
دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

یاد رفیق مظفر صالحی نیا عزیز گرامی است!

با تاسف فراوان صبح امروز شنبه ۱۲ خرداد، قلب رفیق گرامی، مظفر صالحی نیا، از چهره های مبارز و انقلابی شهر سنندج، یار و یاور کارگران و زحمتکشان، در اثر سکته قلبی از تپش افتاد و برای همیشه چشم از جهان فرو بست.

جانباختن رفیق مظفر عزیز، کسی که سالیان طولانی برای آزادی و برابری تلاش کرد، برای همگی ما دردناک و سنگین بود. درگذشت مظفر عزیز را به همسر عزیزش گلنار، به فرزندان عزیزش الهام و سینا، به همه بستگان و دوستانش و به مردم آزادیخواه سنندج تسلیت میگوئیم.

یاد عزیز رفیق مظفر صالحی نیا همیشه گرامی است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۲ خرداد ۱۴۰۳ - اول جون ۲۰۲۴

از کمیته رهبری به: رفیق احمد مطلق موضوع: سردبیری کمونیست ماهانه

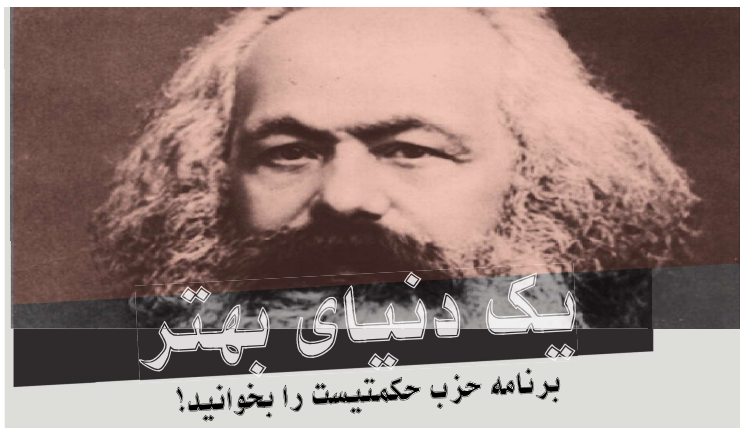
رفیق احمد عزیز همچنانکه شفاهی به شما اطلاع دادیم، کمیته رهبری سردبیری کمونیست ماهانه را از این تاریخ به شما واگذار میکند. کمیته رهبری امیدوار است نشریه کمونیست ماهانه با سردبیری شما همچنان به عنوان نشریه ای مهم و مارکسیستی به کار خود ادامه دهد. ما برای شما در انجام وظیفه جدیدت آرزوی موفقیت داریم و از همه رفقا و نویسندگانی که برای کمونیست قلم میزنند انتظار داریم به همکاری صمیمانه خود با کمونیست ماهانه و شما به عنوان سردبیری آن ادامه دهند.

دستت را به گرمی میفشاریم و برایت آرزوی موفقیت داریم.

از طرف کمیته رهبری

خالد حاج محمدی

۲۳ خرداد ۱۴۰۳ - ۱۲ جون ۲۰۲۴



یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!